

جبران خسارت در صورت تعدد عاملان زیان

با مطالعه تدبیری در حقوق ایران، فرانسه و فقه شیعه

تألیف:

دکتر محمد رضا امیر محمدی

دکتر عبد الرضا محمد حسینی

امیر محمدی، محمدرضا، ۱۳۴۵-

جبران خسارت در صورت تعدد عاملان زیان با مطالعه تطبیقی در حقوق
ایران، فرانسه و فقه شیعه / تألیف محمدرضا امیر محمدی، عبدالرضا
محمدحسین زاده.

کرمان: انتشارات پیام مصطفی، ۱۳۸۶.

۱۷۶ ص.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا.

کتابنامه: ص ۱۶۰-۱۶۳؛ همچنین به صورت زیر نویس.

ر. ص: ۱۰۰ مارت (فقه).

موضوع: حق مدنی (فقه).

شناسه: نزو: محمدحسین زاده، عبدالرضا، ۱۳۴۵-

۲۹۷/۳۷۲ B۲۱ ۰/۱ الف ۷۶

۱۰۲۹۹۵۶

کتابخانه ملی ایران

جبران خسارت در صورت تعدد عاملان زیان

نام کتاب:

انتشارات پیام مصطفی

ناشر:

دکتر محمدرضا امیر محمدی - دکتر عبدالرضا محمدحسین زاده
(استادیاران دانشگاه شهید باهنر کرمان)

مؤلفین:

جلد ۱۰۰۰

تیراژ:

نوبت و تاریخ انتشار: اول، تابستان ۱۳۸۶

۱۷۵۰ تومان

قیمت:

ISBN:978-964-96746-1-2

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۷۴۶-۱-۲

فهرست

فصل اول - ماهیت و منابع

گفتار اول - ماهیت ۱۱

گفتار دوم - منابع ۲۹

مبحث اول - قرارداد ۲۹

مبحث دوم - قانون ۳۲

مبحث سوم - رویه قضائی ۳۳

گفتار سوم - موارد بروز مسئولیت ۳۷

مبحث اول - مسئولیت ناشی از ضمان قهری ۳۸

مبحث دوم - اجتماع مسئولیت قهری و قراردادی ۵۳

گفتار چهارم - محدودیتها ۶۷

مبحث اول - محدودیت ناشی از قانون ۶۸

مبحث دوم - محدودیت ناشی از رویه قضائی ۶۸

فصل دوم - آثار

گفتار اول - آثار ناشی از حدوث موضوع ۷۵

مبحث اول - تعهد به پرداخت تمام طلب ۷۶

مبحث دوم - برائت همه مدعیان ۸۹

گفتار دوم - آثار ناشی از تعدد راغبها ۱۱۱

مبحث اول - عدم تأثیر متقابل اوصاف مسئولین جمعی ۱۱۱

مبحث دوم - تجزیه پذیری مسئولیت جمعی ۱۱۳

مبحث سوم - امکان دفاع مستقل ۱۱۶

گفتار سوم - مبنای رجوع پرداخت کننده ۱۲۳

مبحث اول - قائم مقامی ۱۲۴

مبحث دوم - دعوی شخصی ۱۲۵

گفتار چهارم - محدودیت‌های رجوع ۱۲۷.....

مبحث اول - مستقل بودن تعهدات ۱۲۷.....

مبحث دوم - فرعی بودن تعهدات ۱۳۰.....

مبحث سوم - عدم تقصیر ۱۳۱.....

گفتار پنجم - آثار ثانوی ۱۳۳.....

مبحث اول - مبنای آثار ثانوی ۱۳۴.....

مبحث دوم - بیان آثار ثانوی ۱۴۰.....

مجموعه ۱۶۱.....

مقدمه

مسئله جبران خسارات زیان‌دیده و تأمین طلب بستانکاران مسئله‌ای است که از جنبه‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی دارای اهمیت است. حرمت حقوق، ابراد اقتضاء می‌کند که خسارات وارده بر هیچ زیان‌دیده‌ای جبران نشده بماند. از دیدگاه نظم عمومی و روابط اجتماعی برای داشتن جامعه‌ای آرام و حفظ نظم و امنیت اجتماعی باید تدابیری اتخاذ شود که هر یک از افراد جامعه به ساده‌ترین وجه ممکن بتواند خسارات وارده به خود را مطالبه و وصول کند و کسی را امکان گریز از بار مسئولیت خویش نباشد. بابدینوسیله از تنش‌های اجتماعی جلوگیری شود.

در مواردی که عاملان خسارت بیش از یک نفر باشند، به عبارت دیگر در صورت تعدد عاملان فعل زیان بار، جبران خسارت زیان‌دیده پیچیده تر خواهد بود.

برای حل این مشکل نظریه‌های متفاوتی ارائه شده است که بصورت گذرا اشاره‌ای به آن‌ها می‌کنیم:^۱

۱- کاتوزیان، ناصر، مسئولیت مدنی، ج ۱، ش ۲۱۲، ص ۴۶۱.

الف) نظریه برابری اسباب و شرایط: به موجب این نظریه، مجموعه اسباب و شرایط است که در واقع سبب ورود زیان است. بنابراین همه اسباب بطور تساوی در ایجاد ضرر مؤثرند و دوری و نزدیکی و یا تقدم و تأخر آن‌ها تأثیری در تقسیم مسئولیت ندارد. این همان راه حلی است که قانون مجازات اسلامی در مواد ۳۳۶ و ۳۶۵ پذیرفته است. البته در نظریه برابری اسباب از جهت توزیع نهایی مسئولیت همه آن‌ها به طور تساوی با یکدیگر مسئولند، اما ممکن است از جهت امکان رجوع زیان‌دید، او برانند به هر یک از آن‌ها که تمایل داشته باشد رجوع کند (مسئولیت تضامی).

ب) نظریه سبب نزدیک و بیواسطه: بر اساس این نظریه نزدیکترین و آخرین سبب بیواسطه مسئول است و اسباب دورتر و ماقبل آن از نظر مسئولیت دخیل نیستند. چنانچه از نظر منطقی در ورود خسارت سهمیم بوده‌اند.

ج) نظریه سبب مقدم در تأثیر: طبق این نظریه در مواردیکه دخالت یکی از اسباب از نظر زمانی مقدم بر بقیه اسباب باشد، مسئولیت برعهده سببی است که مقدم بر دیگر اسباب بوده است. ماده ۳۶۴ قانون مجازات اسلامی در مواردی که ترتیب اسباب و سبب داشته باشد از این نظریه پیروی کرده و مقرر داشته است: «هرگاه در ضرر عدواناً در وقوع جنایتی به نحو سبب دخالت داشته باشند، کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب دیگری باشد، ضامن خواهد بود. مانند این که یکی از آن دو نفر چاهی حفر نماید و دیگری سنگی را در کنار آن قرار دهد و عابر به سبب برخورد با سنگ به چاه افتد کسی که

سنگ را گذارده ضامن است و چیزی به عهده حفر کننده نیست و اگر عمل یکی از آن دو عدوانی و دیگری غیر عدوانی باشد فقط شخص متعددی ضامن خواهد بود».

د) نظریه سبب متعارف و اصلی: در این نظریه تمام شرایط و حوادثی را که در بروز خسارت مؤثر بوده‌اند در زمره اسباب ورود زیان نمی‌شمارند، به موجب این نظریه حادثه‌ای به عنوان سبب تلقی می‌شود که عرفاً بتوان گفت که ورود ضرر از آن ناشی شده است. قانون مجازات اسلامی در ماده ۳۵۲ از این نظر پیروی کرده و مقرر داشته است: «هر گئی کسی در ملک خود به مقدار نیاز یا زاید بر آن آتش روشن کند و بداند که به بانی سرایت نمی‌کند و عادتاً نیز سرایت نکند، لکن اتفاقاً به جایی سرایت کند در موجب تلف یا خسارت شود، ضامن نخواهد بود».

همانگونه که ملاحظه می‌شود به جز در نظریه تساوی اسباب و شرایط در همه نظریه‌ها سعی شده است که مسئولیت فعل زیانبار بر عهده یکی از مسببین قرار گیرد. صرف نظر از قوت و ضعف این نظریه‌ها، آن چه جلب توجه می‌کند این است که در تمام این نظریه‌ها نگاه بر روی عامل فعل زیانبار متمرکز شده و سعی بر این شده است که مشخص شود چه کسی از میان اسباب متعدد، باعث تحمل مسئولیت، مناسبترین است. اما هیچگاه به این نکته توجه نشده است که چه راه حلی به حال زیان دیده مناسبتر است و چگونه می‌توان به بهترین وجه ممکن خسارات وارده به زیاندیده را جبران نمود؟

با توجه به اینکه هدف غائی در مباحث مربوط به مسئولیتهای قهری جبران زیانهای وارد شده به متضرر است و در میان حقوقدانان مشهور شده است که «باید هیچ زیانی جبران نشده باقی بماند» باید به دنبال راهحلی باشیم که در درجه اول حقوق زیان دیده را تأمین کند و در درجه دوم راجع به توزیع مسئولیت میان عاملان فعل زیانبار حسب عدالت را نگه دارد. قاعده لاضرر در حقوق اسلامی که مبنای بسیاری از گفتگوهای راجع به مسئولیتهای قهری است، نیز ما را به این سمت هدایت می‌کند. برای رسیدن به این هدف باید قائل به تضامن اسباب بود. این توضیح که اولاً بدون توجه به میزان و درجه تأثیر اسباب، تنها و تأثیر آنها در تأثیر، بیواسطه بودن یا باواسطه بودن، اصلی بودن یا فرعی بودن تأثیر آنها، تنها و به صرف اثبات تأثیر حوادث و یا شرایطی در ورود خسارت، مسببین بطور تضامنی در قبال زیان دیده مسئول جبران تمام خسارات شناخته شوند.^۱ به نحوی که زیان‌دیده به هر یک از آنها که تمایل داشت برای مطالبه خسارت خود رجوع نماید. ثانیاً به منظور تحمیل خسارت بر عهده عامل اصلی و رعایت عدالت در توزیع مسئولیت میان فعل زیانبار، داوران با توجه به کلیه عوامل و اوضاع و احوال حسب مورد راجع به تحمیل مسئولیت نهایی، هر کدام از نظریه‌های ارائه شده را که با اجرای عدالت سازگارتر تشخیص دهد، اعمال کند.

۱- میشل لورراسا، مسئولیت مدنی، ترجمه دکتر محمد اشتري، ص ۱۲۵.

«آن چه اهمیت دارد این است که کسی مسئول قرار گیرد که بین کار او و ایجاد ضرر رابطه سببیت عرفی و معقول موجود باشد. چندان که بتوان گفت که بین آن دو ملازمه عرفی وجود دارد. همین که چنین رابطه‌ای احراز شود، عامل آن بایستی مسئول قرار گیرد و هیچ ضرورتی ندارد که دادرس همه عوامل موثر در ایجاد حادثه را نیز ارزیابی کند»^۱.

براساس این نظریه هر یک از اسباب عرفاً می‌تواند به تنهایی سبب وقوع خسارت تلقی شود، هر چند که از نظر منطقی علت ناقصه باشد. و تفاوتی میان قوت و ضعف اسباب از جهت میزان تأثیر در رابطه با زیان‌دیده وجود ندارد. نظر به تضامن اسباب در فقه نیز دارای سابقه است. مرحوم میرزا حبیب‌الله رشتی هر یک از اسباب را به تنهایی عرفاً علت تامه خسارت دانسته و می‌گوید: «بیرا علتی که در تسبیب ملاک است، علت ناقص واقعی است که عرف مستحقاً آن را در تجاوز به حقوق دیگران، علت تامه تلقی می‌کند... و نسبت به این علت می‌تواند متعدد باشد و مستقلاً در دو جایگاه قرار بگیرد هر چند که در مورد علت واقعی این امر غیرممکن است»^۲.

۱- کاتوزیان، ناصر، مأخذ پیشین، ش ۲۲۶، ص ۴۸۰.

۲- رشتی، میرزا حبیب‌الله، رساله فی النصب ص ۳۶: «ولان الاستناد العرفی الذی قلنا بکونه مضمناً قائم لکل منهما متصلاً و ان کان الائتلاف الواقعی مستنداً اليهما معاً. و ذلک لان الاستناد المعتبر فی التسبیب انما هو الاستناد الناقص الواقعی الذی یتسامح العرف فی عده استناداً تاماً عند العدوان، لعدم مدخلیه فعل اختیاری آخر و لاریب ان مثل هذا الاستناد یمكن تعدده و قیامه بمحطین علی وجه الاستقلال. و ان اتمتع ذلک فی الاستناد الواقعی. فانما فرض اجتماع السببین

نظریه فوق از این جهت قابل توجه است که زیان‌دیده تنها با اثبات رابطه سببیت اجمالی بین زیان و فعل هر کدام از عاملان به حق خود خواهد رسید. با این تمهید او را از ورود در دعوی میان عاملان زیان و اثبات اینکه کدامیک از اسباب مقدم در تأثیر بوده و یا اینکه کدام سبب اصلی است و کدامیک با واسطه و نظیر این مطالب که بعضاً زیان‌دیده را در وادی تحیر سرگردان نموده و جبران خسارت را مشکل کرده و لاقلاً به تأخیر می‌اندازد جلوگیری می‌کند. علاوه بر این با توجه به تعدد محلهای رجوع زیان‌دیده اولاً این امکان را به زیان‌دیده می‌دهد که برای جبران خسارت خود سهل‌ترین راه را انتخاب نماید. ثانیاً از خطر ورشکستگی راعسار برخی از عاملان زیان نیز در امان خواهد ماند. این شیو با عدل و انصاف سازگارتر است. زیرا کسی را که هیچگونه تقصیری مرتکب نشده و دخالتی در ایجاد ضرر نداشته و برتر از اینها زبانی هم به او وارد شده از دزدگیری میان گروهی که هر یک به نوعی مرتکب تقصیر شده و یا لاقلاً در ورود خسارت مؤثر بوده‌اند رها ساخته‌ایم. هر چند که با توجه به قوانین موجود اصل عدم تضامن این نظریه در حقوق کشور ما قابل اعمال نیست. اما به عنوان یک نظریه پیشنهادی در جهت هدایت دستگاه قانونگذاری مفید است.

المجرد عن مداخله فعل اختیاری آخر غیرهما فدعوی عدم قیام الاستناد العرفی الا معاً مجازفه. و کذا فی صورة اجتماع السبب و المباشرة المساوی. بل الظاهر تحقق نسبة العرفیه بالنسبه الی کل واحد مستقلاً. لان بناءها علی التأثير الناقص و قضیه ذلک الحکم با لتخیر دون التشریک. فلا بد ان یستند فی التشریک الذی هو ظاهر الاصحاب من الاتفاق والاجماع».

ما در این تحقیق سعی نموده ایم به قدر بضاعت خود وبااستعانت از تجربه کشور های دیگر واتکاء به مبانی فقهی و اصول مسلم حقوق داخلی راه حلی ارائه نمائیم که اعمال آن درسیستم حقوقی کشور، مارا در جهت تضمین حقوق زیان‌دیده وجبران بهتر خسارات وارده به وی گامی به جلو ببرد.

قائل شدن مسئولیت تضامنی برای عاملان فعل زیان بار می تواند تا حد زیادی حقوق زیان دیده را تضمین کند، به همین جهت در بسیاری اسیستمهای حقوقی دنیا این مکانیسم پیش بینی شده است. اما باتوجه به اصل عدم تضامن که در کلیه کشورهای مورد مطالعه پذیرفته شده است بر واردی که در قانون مسئولیت تضامنی پیش بینی نشده است؛ از یک سو نمی توان برای عاملان متعدد قائل به مسئولیت تضامنی شد و از سوی دیگر قائل شدن مسئولیت اشتراکی برای عاملان، زیان دیده را در رسیدن به حقوق خود با مشکل مواجه خواهد نمود. از این رو رویه قضائی ودکترین حقوقی دربرخی از کشورها مکانیسمی را ابداع کرده اند که جامع بن الامرین نموده است. این مکانیسم تحت عنوان مسئولیت جمعی (in solidum) یا مسئولیت تضامنی ناقص شناخته شده است که در این کتاب مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

برخی از حقوقدانان فرانسوی^۱ مسئولیت تضامنی ناقص (مسئولیت in solidum) را به responsabilité collective ترجمه کرده و

1- Gabril Marty et Pierre Raynaud, op.cit., n. 127, p.113.

حقوقدانان دیگر نیز معادل آن را برگزیده و به «مسئولیت جمعی»^۱ و «المسؤولية المجتمعه»^۲ ترجمه کرده‌اند. یکی از حقوقدانان عرب زبان^۳ علیرغم اینکه در جایی از واژه «المسؤولية المجتمعه» استفاده کرده است، در جایی دیگر واژه «المسؤولية التضاميه» را به کار برده و علت این تغییر سلیقه را رعایت تقارن میان مسئولیت تضامنی و مسئولیت تضامی عنوان کرده است.

مطالب این کتاب را در دو فصل مورد بررسی قرار می‌دهیم. در فصل اول ضمن تعریف مسئولیت جمعی منابع و دامنه آن را مورد بحث قرار خواهیم داد و در فصل دوم به بررسی آثار مسئولیت جمعی (in solidum) خواهیم پرداخت.

۱- کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، ش ۱۵۲، ص ۲۲۷.

۲- احمدالسنهوری، عبدالرزاق، الوسيط فی شرح القانون المدني المصري، ج ۳، ش ۱۷۶، ص ۲۸۵.